

سیر قانونی شدن کتاب‌های عهد جدید

محمد ضیاء توحیدی^۱

چکیده

مسیحیان در حال حاضر درباره اعتبار ۲۷ کتاب کنونی عهد جدید، با یکدیگر اتفاق نظر دارند اما کنکاش در تاریخ کلیسا نشان می‌دهد آنان قرن‌های متمادی بر سر اعتبار این کتاب‌ها با یکدیگر اختلاف داشته‌اند. برخی از کتاب‌های این مجموعه احتمالاً در قرن سوم میلادی مورد پذیرش و اقبال عمومی قرار گرفته‌اند در حالی که اتفاق نظر بر سر اعتبار برخی از بخش‌های عهد جدید، تا پایان قرن پنجم به تأخیر افتاد. در این نوشتار به مهم‌ترین کتاب‌های مورد نزاع پرداخته و معروف‌ترین فهرست‌های ارائه شده از سوی عالمان مسیحی را معرفی خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: قانونی شدن عهد جدید، مارکیون، ایرنئوس، قانون مراتوری، آتاناسیوس، ائوسبیوس.

۱. کارشناسی ارشد ادیان ابراهیمی.

مقدمه

پس از عروج حضرت عیسی و به مرور زمان، کتاب‌ها و رساله‌های فراوانی در جامعه مسیحیت نگاشته شد. موضوع این نوشته‌ها یکسان نبود و نویسندگان این آثار، بسته به اهداف خویش، موضوعات و مطالبی را منتشر می‌ساختند. مخاطبان این مکتوبات نیز یکسان نبودند؛ برخی خطاب به عموم مسیحیان، برخی برای مسیحیان یک منطقه خاص و برخی نیز خطاب به یک شخص خاص، نوشته شده بودند.

بعضی از این نوشته‌ها، جهت راهنمایی و آموزش تعالیم دینی به مسیحیان دیگر شهرها بود؛ یعنی مسیحیانی که از اورشلیم (به عنوان مرکز استقرار مسیحیت) فاصله داشتند و به تعالیم مسیحیت، دسترسی کاملی نداشتند. بعضی دیگر نیز برای رفع مشاجراتی بود که در کلیساها رخ می‌داد. در چنین مواردی، افراد مقبول در جامعه مسیحی، با نگارش نامه‌ای به مسیحیان آن منطقه - و گاه یک شخص خاص - در مورد موضوعات مورد اختلاف، اظهار نظر می‌کردند.

در کنار این نامه‌ها، کتاب‌های دیگری نیز در جامعه مسیحی رواج یافته بود. علت نگارش این مکتوبات که نام انجیل را بر خود داشتند تا حدود زیادی روشن است. با گذشت چند دهه از عروج عیسی، این واژه در جامعه مسیحی به وجود آمد که با فاصله گرفتن از دوران آن حضرت، کردار و گفتار ایشان به دست فراموشی سپرده شود. بنابراین تعداد قابل توجهی از کسانی که با حضرت عیسی ارتباط داشتند و یا به شاگردان آن حضرت دسترسی داشتند به نگارش انجیل‌ها دست زدند؛ چنان که در ابتدای انجیل لوقا آمده است:

از آن جهت که بسیاری دست خود را دراز کردند به سوی تألیف
حکایت آن اموری که نزد ما به اتمام رسید، چنان‌که آنانی که از
ابتدا نظارگان و خادمان کلام بودند به ما رسانیدند، من نیز
مصلحت چنان دیدم که همه را من البدایه به تدقیق در پی رفته،
به ترتیب به تو بنویسم ای تیوفلس عزیز.^۱

اگرچه رسالت اصلی انجیل‌ها و نامه‌ها، گزارش و ثبت واقعیت‌ها و نیز رفع اختلافات میان مسیحیان بود، اما تفاوت این نوشته‌ها در بیان تعالیم و روایت گزارش‌ها، خود سبب بروز اختلافات جدی در جامعه مسیحی گردید. هر فرد و گروهی به بررسی آثار موجود می‌پرداخت و از میان آن‌ها تعدادی را انتخاب می‌کرد.

۱. لوقا ۱: ۳ - ۱.

همین مسئله موجب بروز چنددستگی میان مسیحیان گردید؛ زیرا در مورد این که کدام نوشته معتبر است و کدام باید کنار گذاشته شود، اختلاف‌نظرهای فراوانی وجود داشت. از طرفی، هیچ شخص یا مجمعی نیز وجود نداشت که مورد قبول همه مسیحیان باشد و در مورد این نزاع‌ها، نظر نهایی را اعلام کند.

شاید یکی از مهم‌ترین اختلافات، اختلاف‌نظر در مورد انجیل‌ها بود؛ زیرا این نوشته‌ها سهم اصلی را در بنیان مسیحیت ایفا می‌کرد و شالوده بسیاری از عقاید را دربرداشت. گزارش‌های تاریخی حکایت از آن دارد که در قرون ابتدایی، هر گروه از مسیحیان انجیل یا انجیلی را برای خود انتخاب کرده بودند.^۱ اگرچه استفاده از انجیل‌های مختلف به خودی خود مشکل مهمی به حساب نمی‌آمد، اما ایراد اصلی در این‌جا بود که هر کدام از این انجیل‌ها دارای تعالیم و گزارش‌های متفاوتی بودند که گاه در اصولی‌ترین عقاید نیز با یکدیگر اختلاف داشتند. علاوه بر تفاوت انجیل‌ها با یکدیگر، اختلافات دیگر نوشته‌های رایج در آن زمان درباره موضوعات مختلف نیز سهم مهمی در پدید آمدن نزاع‌ها در جامعه نوپای مسیحی داشت.

بحث در مورد کتاب‌های قانونی، تعداد آن‌ها و تعیین این کتاب‌ها یکی از مهم‌ترین مسائلی الهیات مسیحی در سده‌های نخست بوده است؛ چراکه اصول اعتقادی مسیحیت مستند به کتاب‌های قانونی و برگرفته از آنهاست. در واقع، مسئله تعیین این کتاب‌ها مسئله تعیین سرچشمه‌های اعتقادی مسیحیت است. در این نوشتار به بررسی سیر قانونی شدن عهد جدید خواهیم پرداخت و اختلافات مهم در این زمینه را بیان خواهیم کرد. تبیین علل و عوامل اختلاف‌نظرها در انتخاب کتاب‌های قانونی از دیگر مباحثی است که به آن خواهیم پرداخت اما پیش از آن لازم است به توضیح و بررسی چند نکته بپردازیم.

اصطلاح قانونی

صفت قانونی برگرفته از واژه یونانی *kanon* و از ریشه بابلی است. این کلمه به معنای چوب بلند و صافی است که برای اندازه‌گیری به کار گرفته می‌شده است.^۲ آتاناسیوس (م. ۳۶۷) اولین کسی بود که این اصطلاح را برای اشاره به مجموعه کتاب‌های پذیرفته شده و مقدس به کار برد. البته پیش از وی ائوسیبیوس در سال ۳۲۵ میلادی اصطلاح یونانی *endiatheke* را که به معنای «عهدبسته شده» و نیز

1. Ehrman, Bart. D, *The New Testament*, p.171.

۲. یوسف خلیل، الدكتور القس صموئیل، المدخل الی العهد القدیم، ص ۳۱.

اصطلاح homologoumenon به معنای «شناخته شده» را در مورد کتاب‌های مقدس به کار برده بود اما در نهایت، اصطلاحی که آتاناسیوس به کار برده بود فراگیر گردید و در الهیات مسیحی رواج یافت.^۱

اصطلاح قانونی شدن^۲ در مفهوم الهیاتی آن، بیانگر آن است که جامعه مسیحی به اتفاق آرا در مورد متونی که می‌توان آن‌ها را جزء کتاب مقدس قرار داد، حدودی قائل شده است.^۳

البته باید به این نکته توجه داشت که به اعتقاد مسیحیان، مسئله قانونی ساختن کتاب‌ها ریشه در سنت حضرت موسی داشته و بدعت نبوده است. در سفر اعداد ۳۱: ۲۶ آمده است که موسی تورات را به لایوان سپرد و به ایشان گفت: «این کتاب تورات را بگیرد و آن را در کنار تابوت عهد قرار دهید». این عمل حضرت موسی، به روشنی، حکایت از قانونی ساختن و معتبر دانستن کتاب تورات است و به همین دلیل است که به اعتقاد مسیحیان، ریشه قانونی ساختن را باید در سنت حضرت موسی دانست.^۴

مقدس خواندن کتاب‌های عهد جدید

در کلیسای اولیه و در قرن نخست میلادی، مسیحیان همان کتاب‌های مقدس یهودیان را پذیرفته و به عنوان متون مقدس استفاده می‌کردند. در این دوره، عنوان کتاب مقدس اختصاص به عهد عتیق داشت و هیچ یک از متون نگاشته شده در عهد مسیحیت، بخشی از کتاب مقدس دانسته نمی‌شد.^۵

از قرن دوم میلادی به بعد، افزون بر کتاب‌های عهد عتیق، کتاب‌های دیگری نیز به مرور در جوامع مسیحی از تقدس برخوردار گردید و مسیحیان آن‌ها را هم‌طراز کتاب‌های مقدس یهودی قرار دادند. مسیحیان این آثار را تکریم می‌کردند و بسان متون مقدس یهودی در مراسم عبادی خود قرائت می‌کردند. بدین ترتیب و به مرور

1. Rogerson, J. W. & Judith, M. Lieu, *The Oxford Handbook Biblical Studies*, p.783.
 ۲. کلمه Canon دارای معانی مختلفی از جمله معین کردن اصول ایمانی، مشخص کردن مقدسان کلیسا، مشخص کردن قواعد و متون عبادی و... است اما در اینجا مراد ما Canon of Scripture است. ر.ک: K. Flinn, Frank, *Encyclopedia of Catholicism*, pp.121 – 122.
 ۳. مک گراث، الستر، درآمدی بر الهیات مسیحی، ص ۲۰۷.
 ۴. یوسف خلیل، الدكتور القس صموئیل، المدخل الی العهد القديم، ص ۳۳.
 ۵. تاریخ تفکر مسیحی، تونی لین، ص ۲۲.

زمان، مجموعه‌ای از کتاب‌های عصر جدید، به مجموعه کتاب‌های معتبر و مقدس افزوده گردید.^۱

سیر قانونی شدن کتاب‌های عهد جدید

در مورد زمان دقیق شکل‌گیری مجموعه عهد جدید، اطلاع روشنی در دست نیست و اتفاق نظری در این باره وجود ندارد. در مورد زمان دقیق قانونی شدن هر یک از نوشته‌ها به صورت جداگانه نیز اطلاعی در دست نیست. با این حال، شواهد موجود نشان می‌دهد که در اوایل قرن دوم میلادی، مجموعه‌ای از رساله‌های پولس در کلیساها مورد استفاده بوده است. از جمله این شواهد می‌توان به نامه کلمنت اشاره کرد که آن را در سال ۹۵ میلادی، خطاب به مردم قرنتس نگاشته است و در آن به برخی از رساله‌های پولس اشاره می‌کند. پولیکارپ نیز در نامه خویش به کلیسای فیلیپی به این مطلب اشاره می‌کند که پولس نامه‌هایی را پیش از وی خطاب به آنان نگاشته است. ایگناتیوس انطاکی نیز در اوایل قرن دوم به برخی از رساله‌های پولس استناد می‌کند. این استنادها و ارجاعات به رساله‌های پولس، نشان از مقبولیت این نوشته‌ها در جامعه مسیحیان آن دوره دارد.^۲

البته نمی‌توان از این شواهد قانونی و مقدس بودن رساله‌های پولس در آن زمان را نتیجه گرفت. در واقع، این مسئله صرفاً نشانه آن است که تعالیم پولس به دلیل جایگاه خاص وی، در برخی کلیساها مورد استفاده قرار گرفته است و برخی عالمان مسیحی به آن‌ها استناد کرده‌اند؛ اما این به معنای مقدس دانستن این رساله‌ها در کل جامعه مسیحی و قرار گرفتن آن‌ها به عنوان جزئی از کتاب مقدس نیست.

در مورد اناجیل چهارگانه چنین ادعا شده است که از نیمه قرن دوم میلادی به بعد، درباره این چهار انجیل تقریباً اتفاق نظر وجود داشته است و مسیحیان آن‌ها را هم‌طراز کتاب‌های مقدس عهد قدیم قرار داده بودند. از جمله مهم‌ترین شواهد بر این مدعا می‌توان به شهادت کلمنت در رساله دوم خویش اشاره کرد که در حدود ۱۵۰ میلادی نگاشته شده است. وی در این رساله، پس از اقتباس از کتاب اشعیا، فقره‌ای را نیز از انجیل متی نقل می‌کند و در این باره می‌نویسد: «و کتاب مقدس دیگر می‌گوید: نیامده‌ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم».^۳ به

1. Achtemeier, Paul J. (ed.), Harpercollins Bible Dictionary, p.168.

۲. عبدالعزيز، فهمیم، المدخل الی العهد الجديد، ص ۱۴۸-۱۴۹.

۳. متی ۹: ۱۳

اعتقاد الهی‌دانان مسیحی، این استناد کلمنت و ذکر کردن انجیل متی به عنوان کتاب مقدس، نشانه آن است که انجیل متی به عنوان بخشی از کتاب مقدس تلقی می‌شده و هم‌طراز عهد قدیم بوده است.^۱ البته در این باره نیز شک و تردید هم‌چنان وجود دارد زیرا این کلام کلمنت هرگز نمی‌تواند به معنای فراگیر بودن اعتقاد به تقدس این انجیل در میان مسیحیان باشد و تنها می‌تواند نشانه اعتقاد وی به تقدس این کتاب باشد.

اگرچه اعتقاد عمومی بر آن است که تاریخ قانونی شدن اناجیل پس از برخی از رساله‌های پولس بوده است اما برخی از الهی‌دانان مسیحی، تاریخ قانونی شدن انجیل‌ها را بسیار زودتر از دیگر کتاب‌ها و رساله‌های مسیحی دانسته‌اند. به اعتقاد آنان، از آن‌جا که زندگی حضرت عیسی در نقطه محوری عهد جدید قرار دارد، منطقی به نظر می‌رسد که بگوییم اناجیل چهارگانه اولین کتاب‌هایی بودند که به عنوان کتاب‌های قانونی عهد جدید پذیرفته شدند، هرچند در این نکته تردیدی نیست که زمان نگارش اناجیل از بسیاری از رساله‌های عهد جدید دیرتر بوده است.^۲ اما ادعای فوق مبتنی بر هیچ گزارشی تاریخی نیست و بلکه شواهد فراوانی نیز بر خلاف این نظریه وجود دارد. بارت ارمن دانشمند معاصر و متخصص عهد جدید می‌نویسد:

طی قرن‌های اول و دوم میلادی، انجیل‌های زیادی نگاشته شد. مسیحیان گنوسی اناجیل خاص خود را داشتند. یهودی - مسیحیان که به نام ایونی‌ها شناخته می‌شوند دارای انجیلی خاص به خود بودند. مارکیونی‌ها از انجیلی دیگر استفاده می‌کردند و به طور کلی هر گروه از مسیحیان، از انجیل یا انجیلی مختص به منطقه خویش و متناسب با نوع نگاه خویش، استفاده می‌کردند.^۳

بنابراین با بررسی شواهد تاریخی تنها می‌توان مدعی شد که در اواخر قرن دوم میلادی، تعداد قابل توجهی از مسیحیان - که حتی نمی‌توان آنان را اکثریت مسیحیان دانست - به اعتبار اناجیل چهارگانه باور داشتند.^۴

به هر حال به اعتقاد عموم الهی‌دانان مسیحی، شواهد تاریخی و گزارش‌های موجود، نشان از قانونی شدن برخی از رساله‌ها و کتاب‌ها در پایان قرن دوم میلادی

۱. عبدالعزیز، فهیم، المدخل الی العهد الجدید، ص ۱۵۱.

2. Manser, Martin H., Critical companion to the Bible, p.401.

3. Ehrman, Bart. D., The New Testament, p.171.

4. Ehrman, Bart D., Misquoting Jesus, p.35.

دارد. از جمله گزارش‌هایی که بیانگر وضعیت برخی از کتاب‌های عهد جدید است نوشته‌ای است که به «قانون موراتوری»^۱ شهرت یافته است. این اثر که تاریخ نگارش آن احتمالاً به پایان قرن دوم میلادی بازمی‌گردد به اکثر کتاب‌های عهد جدید اشاره کرده است. در این سند تاریخی پس از ذکر انجیل‌های چهارگانه، از سایر کتاب‌های عهد جدید نام برده شده است:

اعمال همهٔ رسولان در یک کتاب گرد آمده است... اما در مورد رساله‌های پولس... او به بیش از هفت کلیسا چیزی نوشته است. به این ترتیب: نخست به قرتیان، دوم به افسسیان، سوم به فیلیپیان، چهارم به کولسیان، پنجم به غلاطیان، ششم به تسالونیکیان، هفتم به رومیان... علاوه بر این‌ها او یک رساله به فلیمون، یک رساله به تیطس و دو رساله به تیموتاؤس نوشت... رسالهٔ یهودا و دو رساله که نام یوحنا را بر خود دارند در کلیسای کاتولیک [یعنی عام] پذیرفته شده‌اند؛ هم‌چنین (کتاب مسمی به) حکمت که یاران سلیمان به افتخار او نوشته‌اند. هم‌چنین ما مکاشفهٔ یوحنا و (یک رساله) از پطرس را می‌پذیریم؛ [رسالهٔ دومی نیز وجود دارد] که برخی از ما حاضر نیستند آن را در کلیسا بخوانند.^۲

البته این گزارش با شواهد موجود در مورد رواج دیگر رساله‌ها و هم‌چنین رواج انجیل‌های دیگر در کلیساهای مختلف مسیحی سازگار نیست. نقل‌های تاریخی، نشان از وجود نزاع‌های شدید در قرن دوم میلادی و حتی قرن‌های پس از آن دارد و بنابراین شاید بتوان این سند را منعکس‌کنندهٔ وضعیت این کتاب‌ها در میان مسیحیان یک یا چند کلیسا دانست.

افزون بر این، شواهدی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد در این دوره، حتی انجیل‌های چهارگانه به عنوان کتاب مقدس شناخته نمی‌شده‌اند. به عنوان مثال، یوستینیوس شهید در نوشته‌های خویش به انجیل اشاره کرده و از آن‌ها به عنوان یادنامه نام می‌برد. او انجیل‌ها را صرفاً کتاب‌هایی که در بردارندهٔ زندگی‌نامه حضرت عیسی هستند معرفی می‌کند و هرگز از القاب احترامی که نشان‌دهندهٔ مقدس بودن آن‌ها باشد استفاده نمی‌کند.^۳ همین مسئله می‌تواند شاهد بر آن باشد که مقدس

۱. این سند تاریخی در سال ۱۷۴۹ م توسط باستان‌شناسی به نام موراتوری L. A. Muratori کشف گردید و به همین دلیل به این نام شهرت یافت. (المدخل الی العهد الجدید، فهیم عبدالعزیز، ص ۱۵۳).

۲. پیترز، اف. ئی، یهودیت، مسیحیت و اسلام، ج ۲، ص ۷۱.

۳. عبدالعزیز، فهیم، المدخل الی العهد الجدید، ص ۱۵۱.

شمردن انجیل متی در کلام کلمنت (که پیش‌تر به آن اشاره کردیم) مسئله‌ای فراگیر نبوده است و در این زمینه میان مسیحیان، اختلاف نظر وجود داشته است. صرف‌نظر از رساله‌ها و اناجیلی که به آن‌ها اشاره گردید، در مورد سایر کتاب‌ها نیز نزاع‌ها و اختلافات فراوانی وجود داشته است و حصول اتفاق نظر در مورد کتاب‌های قانونی، چندین قرن به طول آن‌جامید. اکنون به بررسی برخی از این نزاع‌ها می‌پردازیم.

نزاع‌های موجود بر سر کتاب‌های مقدس

چنان‌که اشاره شد درباره‌ی بعضی از کتاب‌ها و رساله‌ها تا چند قرن نزاع و اختلاف وجود داشت و همین مسئله موجب تنش‌های فراوان در میان مسیحیان قرون اولیه میلادی گردید. از جمله کتاب‌های مورد نزاع، می‌توان به «رساله به عبرانیان» اشاره کرد. در قرون اولیه میلادی، برخی از مسیحیان، این رساله را معتبر می‌دانستند و آن را به عنوان بخشی از عهد جدید پذیرفته بودند. علت پذیرش این رساله از سوی این دسته از مسیحیان آن بود که تصور می‌کردند این نامه را پولس نگاشته است؛ تصویری که البته بر اساس مطالعات جدید، اشتباه‌بودن آن روشن گشته است.^۱ در دیگر سو تعداد بسیار زیادی از مسیحیان راست‌کیش قرار داشتند که این کتاب را مردود و نامعتبر می‌دانستند.^۲ در کلیساهای غرب، تردید در مورد اعتبار این کتاب تا مدت‌های مدید ادامه یافت و نزاع‌های فراوانی در مورد اعتبار این اثر در گرفت.^۳

کتاب «مکاشفه یوحنا» از دیگر کتاب‌های مورد تردید و نزاع در جامعه مسیحی بود. با مراجعه به آثار نویسندگان قرون اولیه میلادی می‌توان دریافت که برخی از جوامع مسیحی در قرن چهارم میلادی بر این باور بودند که باید کتاب مکاشفه یوحنا را از مجموعه کتاب‌های قانونی حذف کرد.^۴ شخصیت‌های معروفی مانند دیونسیوس، اسقف اسکندریه در قرن سوم میلادی، و سیریل (کیرلس) انتساب این کتاب به یوحنا یوحنای حواری را مردود می‌شمردند و آن را از مجموعه کتاب‌های قانونی و معتبر عهد جدید خارج می‌دانستند.^۵ ائوسیبوس نه تنها خود از پذیرش این کتاب امتناع می‌ورزید بلکه پا را از این هم فراتر نهاد و اظهار داشت هیچ کس متمایل به

1. Ehrman, Bart D., God's Problem, p.236.

2. Ehrman, Bart D., The History of the Bible, p.35.

۳. مگراث، الستر، درسنامه‌ی الهیات مسیحی، ص ۴۴ - ۴۵؛ میلر، ویلیام، تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ص ۷۵.

4. Ehrman, Bart D., Forged: Writing in the Name of God, p.57.

۵. عبدالعزیز، فهیم، المدخل الی العهد الجديد، ص ۶۴۱.



نسبت دادن این کتاب به یوحنا رسول نیست.^۱ وی همچنین نقل قول مهمی را از دیونیسیوس در مورد این کتاب ذکر می‌کند:

برخی از پیشینیان این کتاب را نمی‌پذیرند و آن را کلاً مردود می‌شمارند و باب باب آن را به چالش می‌کشند و مدعی آن هستند که این کتاب فاقد معنا و فاقد دلیل است و معتقدند این کتاب ساختگی است؛ زیرا به اعتقاد آنان، این کتاب نوشته یوحنا نیست و اصلاً این کتاب، مکاشفه نیست. و تأکید می‌کنند این کتاب را هیچ یک از حواریون و قدیسان و یا بزرگان کلیسا نوشته‌اند بلکه شخصی به نام کرنئوس این داستان خیالی را نگاشته و آن را به یوحنا نسبت داده است.^۲

در کلیساهای یونان و همچنین در مکتب انطاکیه نیز اعتبار این کتاب به شدت مورد انکار قرار گرفته بود. این نزاع تا پایان قرن پنجم ادامه داشت و در قرن ششم بود که این کلیساها اعتبار کتاب مکاشفه را پذیرفتند. کلیسای سریانی در مورد پذیرش این کتاب، مقاومت بیشتری از خود نشان داد و تا قرن دوازدهم میلادی همچنان از پذیرش این کتاب به عنوان بخشی از عهد جدید امتناع ورزید.^۳

بعدها و در قرن شانزدهم میلادی، مارتین لوتر مجدداً این کتاب را به شدت رد و به آن حمله کرد. وی اعتبار این کتاب را مخدوش و آن را را کتابی بی‌ارزش و دون‌مایه می‌دانست.^۴ او اظهار می‌داشت این کتاب، نوشته‌ای نامفهوم و مشتمل بر وعد و وعیدهای بی‌سر و ته است و از نظر رسالت، بی‌ارزش است.^۵

از دیگر کتاب‌هایی که مورد نزاع میان مسیحیان قرار داشت کتاب «اعمال رسولان» است. ایگناتیوس انطاکی در قرن دوم میلادی، کتاب‌های مقدسی که در کلیسا مورد استفاده بودند را نام می‌برد اما در میان این کتاب‌ها، نشانی از کتاب اعمال رسولان نیست.^۶

افزون بر کتاب‌های فوق، درباره چند کتاب دیگر نیز اختلاف نظر وجود داشته است. بخشی از متن قانون موراتوری^۷ به روشنی از اختلاف نظر مسیحیان در مورد

1. Eusebius, Church History, 3.39.5 – 6.

2. Ibid, 7.25.1 – 2.

۳. عبدالعزیز، فهیم، المدخل الی العهد الجدید، ص ۶۴۱.

4. Barton, John and Muddiman, John (eds.), The Oxford Bible Commentary, p.1284.

۵. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۶، ص ۴۴۲.

6. Ackroyd, P. R. and Evans, G F. (eds.), The Cambridge history of the Bible, vol.1 , pp.305–306.

7. The Muratorian canon

این کتاب‌ها پرده برمی‌دارد: رسالهٔ یعقوب، رسالهٔ یهودا، رسالهٔ دوم پطرس و رساله‌های دوم و سوم یوحنا.^۱

گزارش‌های تاریخی موجود، نشان می‌دهد که از میان کتاب‌های فوق، «رسالهٔ دوم پطرس» از جمله کتاب‌هایی بود که تردیدهای جدی‌تری در مورد اعتبار آن وجود داشته است. این رساله در کلیسای اولیه شناخته شده نبود و طبق نقل‌های تاریخی، حتی تا زمان اوریگن (۱۸۵ - ۲۵۳ م) نیز به پطرس منسوب نبوده است. هم‌چنین خود اوریگن در مورد اعتبار این رساله تردید داشته است و ائوسیبوس^۲ (۲۶۵ - ۳۴۰ م)، اسقف قیصریه که از وی به عنوان پدر تاریخ کلیسا یاد می‌شود، نیز آن را در میان کتاب‌های مشکوک قرار می‌دهد.^۳

«رسالهٔ یهودا» نیز وضعیت مشابهی دارد. تعداد قابل‌توجهی از مسیحیان این رساله را نامعتبر می‌دانستند و حتی در فهرست کتاب‌های معتبری که ایرنئوس در سال ۱۸۰ میلادی ارائه کرد، اثری از این رساله وجود نداشت.^۴ پیروان مکتب انطاکیه نیز این رساله را به طور کلی نامعتبر می‌دانستند و آن را در فهرست کتاب‌های قانونی قرار نمی‌دانند. تنها در حدود سال ۴۰۰ میلادی بود که این کتاب، به مجموعهٔ کتاب‌های قانونی راه پیدا کرد.^۵ البته پرونده این کتاب حتی در این زمان هم به طور کامل بسته نشد. تردید در مورد اعتبار این کتاب مجدداً در قرن شانزدهم میلادی مطرح شد. مارتین لوتر که از رهبران نهضت پروتستانتیسم به شمار می‌آید، اعتبار این کتاب را به شدت زیر سؤال برد و حتی آن را کتابی حقیر و دون‌مایه نامید.^۶ نزاع‌هایی که تاکنون به آن پرداختیم، در مورد کتاب‌هایی بود که امروزه به عنوان بخشی از عهد جدید پذیرفته شده‌اند. علاوه بر این، در مورد کتاب‌های دیگری نیز نزاع‌هایی وجود داشته است؛ کتاب‌هایی که بعدها از مجموعه کتاب مقدس حذف گردیدند. به عنوان نمونه، قانون موراتوری، کتاب «مکاشفه پطرس» را به عنوان یکی از کتاب‌های معتبر ذکر می‌کند^۷ که این مطلب، نشان از اعتبار این کتاب نزد حداقل بخشی از جامعه مسیحی دارد. کتاب مکاشفه پطرس در آن دوران

۱. پیترز، اف. ئی.، یهودیت، مسیحیت و اسلام، ج ۲، ص ۷۵-۷۶.

2. Eusebius of Caesarea

۳. محمدیان، بهرام و دیگران، دایرة المعارف کتاب مقدس، ص ۳۱۱.

۴. عبدالعزیز، فهیم، المدخل الی العهد الجديد، ص ۱۵۳.

۵. عبدالعزیز، فهیم، المدخل الی العهد الجديد، ص ۷۵۷ - ۷۵۸.

6. Barton, John and Muddiman, John (eds.), The Oxford Bible Commentary, p.1284.

۷. پیترز، اف. ئی.، یهودیت، مسیحیت و اسلام، ج ۲، ص ۷۱.

از اهمیت بالایی برخوردار بوده است و با مراجعه به آثار نویسندگان قرون اولیه میلادی می‌توان دریافت که برخی از جوامع مسیحی حتی تا قرن چهارم میلادی نیز بر این باور بودند که باید این کتاب را در مجموعه کتاب‌های قانونی گنجانید.^۱

«انجیل پطرس» نیز از دیگر کتاب‌هایی بوده است که در میان برخی از مسیحیان معتبر شناخته و به عنوان بخشی از کتاب مقدس تلقی می‌شده است. سراپیان، عالم مسیحی قرن دوم میلادی و اسقف انطاکیه، نقل می‌کند که در زمان وی برخی از کلیساها انجیل پطرس را معتبر می‌دانسته‌اند و از آن استفاده می‌کرده‌اند.^۲

ارائه فهرست نوشته‌های معتبر عهد جدید

چنان‌که پیش‌تر اشاره کردیم، وجود انجیل‌های فراوان و کتاب‌ها و رساله‌های پرشمار در جامعه مسیحی، موجب تشتت فکری و عقیدتی میان مسیحیان گردیده بود؛ زیرا اصول اعتقادی و دستورات دینی مسیحیت، ریشه در تعالیم کتاب‌های مقدس داشت و اختلاف در مورد کتاب‌های معتبر به معنای اختلاف در مورد اعتقادات و فرامین دینی بود. این نزاع‌ها به شکلی گسترده در میان مسیحیان بروز کرده بود. هر گروه و یا منطقه‌ای از تعداد خاصی از انجیل، کتب و رساله‌ها استفاده می‌کرد و آن‌ها را معتبر می‌دانست و طبیعتاً اصول عقاید خویش و تعالیم و فرامین دینی را بر پایه گزارش‌های این کتاب‌ها قرار می‌داد. داشتن عقاید مختلف و گاه متضاد در میان مسیحیان، بر دامنه اختلافات موجود در جامعه مسیحی (مانند ادعای تفوق برخی از کلیساها بر دیگر کلیساهای مسیحی) می‌افزود. همین مسئله، لزوم ارائه فهرستی فراگیر از کتاب‌های مقدس عهد جدید را ایجاد می‌کرد و رهبران مسیحی را به فکر تهیه فهرست کتاب‌های معتبر واداشت.

ظهور مارکیون نیز سهم مهمی در توجه ارباب کلیسا به این موضوع داشت. مارکیون فهرستی از کتاب‌هایی که از نظر او معتبر و قانونی بودند منتشر کرد و دیگر کتاب‌های موجود را بی‌ارزش اعلام کرد. این اقدام مارکیون، زمینه‌ساز توجه هر چه بیشتر اصحاب کلیسا به اهمیت بررسی و تعیین کتاب‌های قانونی شد؛ زیرا بزرگان کلیسا خطر گسترش تعالیم مارکیون در جامعه نوپای مسیحی را احساس می‌کردند.

1. Ehrman, Bart D., Forged: Writing in the Name of God, p.57.

2. Ehrman, Bart D., The History of the Bible, p.34.

اصول اعتقادی مارکیون تفاوت بسیار زیادی با عقاید کلیسا داشت و از قضا، پیروان بسیاری نیز پیدا کرده بود. وی بر این باور بود که خدای حضرت عیسی با خدای عهد عتیق کاملاً متفاوت است. خدای یهودیان همان کسی است که جهان را خلق کرد و یهودیان را قوم خود خواند و شریعت خشن خویش را بر آنان فرو فرستاد، اما خدای حضرت عیسی همان کسی است که مسیح را به جهان فرستاد تا مردم را از خشم خدای یهودیان برهاند؛ بر همین اساس او باور داشت تعالیم صحیح، توسط پولس ارائه شده است. بنابراین، ده نامه از نامه‌های پولس را در مجموعه کتاب مقدس خویش گنجانید. او تمامی رساله‌های پولس که امروزه در عهد جدید موجود است را به استثنای «رساله‌های اول و دوم تیموتائوس» و «رساله به تیتوس» معتبر دانست. او همچنین به این نکته توجه داشت که پولس به انجیل خویش اشاره می‌کند و از نگاه او، مراد پولس همان انجیل لوقا بوده است. بنابراین او این انجیل را نیز در مجموعه کتاب مقدس مورد نظر خویش قرار داد. کتاب مقدس وی از همین یازده نوشته تشکیل شده بود و عهد قدیم در آن جایی نداشت.

البته او در همین یازده کتاب نیز تغییراتی را به وجود آورد؛ زیرا معتقد بود ایمانداران دروغین، مطالبی را به این کتاب‌ها افزوده‌اند تا نشان دهند خدای عهد عتیق همان خدای عیسی است. بنابراین، او این مطالب را از این نوشته‌ها حذف کرد: هر آن‌چه به عهد عتیق ارجاع داده شده بود؛ هر مطلبی که بر آفرینش جهان توسط خدای عهد عتیق (اقنوم پدر در مسیحیت) دلالت داشت؛ و نیز مطالبی که از لزوم پیروی از شریعت سخن می‌گفتند.^۱

به هر حال، ارائه فهرست کتاب‌های معتبر از سوی مارکیون سبب شد تا عالمان مسیحی به بررسی و تعیین کتاب‌های معتبر مسیحی بپردازند و فهرستی از این کتاب‌ها را منتشر سازند. اما همچنان اختلاف نظرها پا برجا ماند و فهرست‌های ارائه شده از سوی هر عالم، به مذاق دیگر عالمان و گروه‌های مسیحی خوش نمی‌آمد؛ زیرا کتاب‌های رایج در بین مسیحیان بسیار متنوع بود و هر گروهی مجموعه‌ای از کتاب‌ها را برای استفاده خود انتخاب کرده بود. بنابراین، الزام مسیحیان به کنار گذاشتن کتاب‌هایی که در منطقه آنان متداول و رایج بود، کار سهل و ساده‌ای نبود. در نتیجه، فهرست‌های متفاوتی از کتاب‌های معتبر و مقدس عهد جدید در میان مسیحیان منتشر گردید که گرچه دارای نقاط مشابه زیادی بود اما اختلافات قابل توجهی نیز در میان آن‌ها وجود داشت.

1. Ehrman, Bart D., Misquoting Jesus, pp. 33–34.

فهرست‌های ارائه شده از سوی عالمان مسیحی

می‌توان حدس زد که فهرست‌های فراوانی در جامعه مسیحیت وجود داشته است؛ زیرا می‌دانیم تفاوت‌های زیاد و قابل توجهی میان مسیحیان مناطق مختلف در مورد کتاب‌های مقدس وجود داشته و احتمالاً عالمان زیادی به ارائه فهرست کتاب‌های معتبر مبادرت ورزیده بوده‌اند. در کتاب‌های تاریخی، تنها به ذکر چند تن از عالمان برجسته و فهرست‌های ارائه شده از سوی آنان بسنده شده است. از جمله مهم‌ترین این شخصیت‌ها می‌توان به افراد ذیل اشاره کرد:

ایرنئوس

ایرنئوس اسقف لیون در گل (فرانسه امروزی) در سال ۱۸۰ میلادی، مجموعه‌ای پنج جلدی را در رد بدعتگذاران نگاشت و در آن کتاب‌های معتبر و مقدس مسیحیان را برشمرد.^۱ فهرستی که او ارائه کرد مشتمل بر کتاب‌های زیر بود: اناجیل چهارگانه،^۲ اعمال رسولان، رساله پولس به رومیان، رساله‌های اول و دوم پولس به قرنتیان و دیگر رساله‌های او به غلاطیان، افسسیان، فیلیپیان، کولسیان. در این مجموعه، هم‌چنین دو رساله پولس به مردم تسالونیک، دو رساله دیگر او به تیموتاؤس و نیز یک رساله به تیطس جای داشت. رساله‌ها اول پطرس، اول یوحنا و کتاب مکاشفه نیز در این فهرست قرار داشتند.^۳

نویسنده قانون موراتوری

فهرست دیگری که در اواخر قرن دوم منتشر گردید، قانون موراتوری است. مؤلف این اثر شناخته شده نیست اما بررسی محتوای آن نشان می‌دهد که نویسنده آن، یکی از عالمان راست کیش مسیحی بوده و به اعتقاد بسیاری از دانشمندان، این اثر را در پاسخ به فهرست مارکیون نگاشته است. این فهرست شامل اناجیل چهارگانه، اعمال رسولان، نه رساله پولس به کلیساهای مختلف و چهار رساله او به اشخاص، رساله یهودا، دو رساله یوحنا، کتاب مکاشفه، رساله پطرس، و رساله شبانی

1. Ehrman, Bart D., *Misquoting Jesus*, pp.34–35.

۲. ایرنئوس در مورد اینکه، چرا تعداد اناجیل قانونی را چهار انجیل اعلام کرده‌اند اظهار می‌دارد: «امکان ندارد که انجیل‌ها بیشتر یا کمتر از آنچه هستند باشند، زیرا همان‌طور که در جهان چهار منطقه برای سکونت وجود دارد و چهار باد اصلی هست... بسیار مناسب می‌باشد که کلیسا دارای چهار ستون باشد و از هر طرف حیات بدمد». البته این استدلال ایرنئوس، حتی از سوی خود مسیحیان نیز مردود شناخته شده است. ر.کد تنی، مریل. سی، معرفی عهد جدید، ص ۱۴۶.

۳. عبدالعزیز، فهیم، المدخل الی العهد الجدید، ص ۱۵۳.

هرمس^۱ بود. البته وی در مورد کتاب اخیر، چنین اظهار می‌دارد که این کتاب ارزشمند است و استفاده از آن در کلیساها مناسب می‌باشد اما با این حال نمی‌توان آن را هم‌رتبه سایر کتاب‌ها قرار داد.^۲

اُوسیبوس

اُوسیبوس عالم مسیحی و مورخ شهیر کلیسا در قرن چهارم میلادی نیز فهرستی از کتاب‌های عهد جدید ارائه کرده است. او نیز همانند عالمان پیشین، تعداد قابل توجهی از کتاب‌های کنونی عهد جدید را در فهرست خویش قرار نداده است. وی دیدگاه خود را در مورد کتاب‌های قانونی چنین تبیین می‌کند:

اکنون که ما به این نقطه رسیده‌ایم، جا دارد کتاب‌های عهد جدید را که قبلاً اشاره کردیم، جمع‌بندی کنیم. بنابراین خوب است که چهار انجیل را در آغاز قرار دهیم و کتاب اعمال رسولان پس از آن‌ها باشد. سپس رساله‌های پولس می‌آیند و به دنبال آن رساله اول یوحنا وجود دارد که اصیل شمرده می‌شود و همین طور است رساله {اول} پطرس. پس از این، مکاشفه یوحنا را قرار می‌دهیم، اگر واقعا درست باشد.... آن چه گفتیم به نوشته‌های مورد قبول مربوط می‌شد.^۳

آتاناسیوس

شاید بتوان مدعی شد فهرست کنونی عهد جدید را نخستین بار آتاناسیوس مطرح کرده است. وی در سال ۳۶۷ میلادی، بیست و هفت کتاب را به عنوان کتاب‌های معتبر و قانونی عهد جدید معرفی کرد و این فهرست، درست همان چیزی است که امروزه مورد پذیرش کلیساها است. البته چنان که پیش‌تر نیز ذکر شد، در مورد اعتبار برخی از این کتاب‌ها تا مدت‌ها بعد نیز میان مسیحیان اختلاف وجود داشت. به عنوان مثال کلیسای غرب در مورد اعتبار رساله به عبرانیان تردیدهایی داشت و یا مثلاً کلیسای شرق در مورد کتاب مکاشفه اظهار تردید می‌کرد. هم‌چنین رساله دوم پطرس، رساله دوم و سوم یوحنا و رساله یهودا از عهد جدید حذف شده بود. اما در نهایت، فهرست آتاناسیوس مورد پذیرش کلیساهای شرق و غرب قرار گرفت.^۴

1. Shepherd of Hermas

۲. عبدالعزیز، فهیم، المدخل الی العهد الجديد، ص ۱۵۳.

۳. پیترز، اف تی، یهودیت مسیحیت و اسلام، ج ۲، ص ۷۵-۷۶.

۴. مک‌گراث، الستر، درسنامه‌ی الهیات مسیحی، ص ۴۴-۴۵؛ میلر، ویلیام، تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ص ۷۵.

نهایی شدن فهرست کتاب‌های قانونی

چنان‌که گفته شد، از قرن دوم میلادی به بعد، هر یک از عالمان مسیحی تلاش کردند تا فهرستی از کتاب‌هایی تهیه کنند که به اعتقادشان دارای تقدس بود و می‌بایست در کتاب مقدس گنجانده می‌شد. ارائه این فهرست‌ها اگرچه تأثیر فوری و مستقیمی بر اتحاد جامعه مسیحی نداشت اما به نظر می‌رسد که هم‌خوانی میان فهرست‌های ارائه‌شده، سبب ایجاد نوعی اتفاق نظر در مورد بخش قابل توجهی از کتاب‌های عهد جدید گردید و به مرور، اتفاق نظر در مورد تمامی کتاب‌های عهد جدید محقق گشت.

البته برخی با این دیدگاه مخالف‌اند که فهرست کنونی کتاب مقدس به تدریج و در گذر زمان شکل گرفته است؛ این دسته از عالمان بر این باورند که مجموعه کتاب‌های مقدس عهد جدید در شورای لاودکیه (۳۶۴ م.) تعیین شده‌اند. اما این تصور صحیح نیست و هیچ گزارش معتبری در مورد تعیین کتاب‌های عهد جدید در این شورا ذکر نشده است. بنابراین نمی‌توان زمانی خاص برای قانونی شدن کتاب‌های عهد جدید تعیین کرد و یا مدعی شد که شخص و یا شورای کلیسایی خاصی این فهرست را نهایی کرده است؛ بلکه شواهد موجود نشان‌دهنده آن است که اتفاق نظر بر سر فهرست کنونی، به مرور زمان تحقق یافته است.^۱

برخی از الهی‌دانان مسیحی تمایل دارند تاریخ حصول اتفاق نظر بر سر کتاب‌های عهد جدید را به قرن سوم میلادی بازگردانند؛ چنان‌که ویلیام میلر در این باره می‌نگارد: «چون قرن سوم رسید، شک و تردید کاملاً محو و ناپدید شد و عموم مسیحیان، ۲۷ کتاب عهد جدید را قبول کردند»^۲؛ اما از آن‌چه گفته شد به روشنی می‌توان دریافت که این ادعا، بر هیچ پایه معتبری استوار نیست. بلکه زمان حصول اتفاق نظر در میان مسیحیان را معمولاً اواخر قرن پنجم و حدود سال ۵۰۰ میلادی ذکر می‌کنند.^۳ با این حال باید به این نکته توجه داشت که حتی پس از این تاریخ نیز هم‌چنان برخی از کلیساها بر سر کتاب‌هایی از عهد جدید، اختلاف نظر داشتند.

۱. ال‌میر کانی، قس جیمس انس، نظام التعمیم فی علم اللاهوت القویم، ج ۱، ص ۶۹.

۲. میلر، ویلیام، تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ص ۷۵.

۳. تیسن، هنری، الهیات مسیحی، ص ۶۰.

شعله‌ور شدن دوباره نزاع در مورد کتاب‌های قانونی

به مرور زمان اختلاف‌نظرها در مورد کتاب‌های معتبر از جامعه مسیحی رخت بست و مسیحیان در مورد کتاب‌های مقدس عهد جدید به اتفاق نظر رسیدند. این اتفاق نظر تا حدود ده قرن ادامه یافت و اختلاف قابل توجهی در این باره به وجود نیامد. در قرن شانزدهم میلادی، مارتین لوتر که رهبری نهضت پروتستان را بر عهده داشت و در میان جمع قابل توجهی از مسیحیان یعنی مسیحیان اصلاح طلب از مقبولیتی فراگیر برخوردار بود برخی از کتاب‌های عهد جدید را مردود اعلام کرد و بدینسان دوباره مسئله نزاع بر سر کتاب‌های مقدس عهد جدید شکل گرفت.

لوتر یک شرط اصلی را برای پذیرش تقدس هر کتاب مطرح ساخت. او بر این باور بود که تمامی کتاب‌ها باید از یک معیار مشخص ایمانی یعنی «عادل شمردگی از طریق ایمان» تبعیت کنند و از نگاه وی، هر کتابی که فاقد این معیار باشد، نمی‌تواند مقدس شمرده شود. درست بر همین اساس بود که او رساله یعقوب را از فهرست کتاب‌های عهد جدید حذف کرد و بدین ترتیب نزاع و درگیری درباره اعتبار کتاب‌ها را دوباره به جامعه مسیحی بازگرداند.^۱

لوتر بر اعتبار کتاب مکاشفه نیز خدشه وارد کرد و آن را کتابی فاقد ارزش و دون‌مایه دانست.^۲ وی اظهار می‌داشت این کتاب، کتابی نامفهوم و مشتمل بر وعد و وعیدهای بی‌سر و ته است و از نظر رسالت، بی‌ارزش است. رساله به عبرانیان هم از تیغ سهمگین نقدهای لوتر در امان نماند.^۳ وی رساله یهودا را نیز غیر معتبر خواند و با قاطعیت آن را رد کرد و آن را کتابی دون‌پایه و بی‌ارزش دانست.^۴

البته دیدگاه لوتر از اقبال زیادی برخوردار نگردید و بعدها حتی از سوی پیروانش نیز مردود شناخته شد به طوری که امروزه تمام فرقه‌های مسیحی اعم از کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان، در مورد اعتبار ۲۷ کتاب فعلی عهد جدید هم‌نظرند.

1. Ibid.

2. Barton, John and Muddiman, John (eds.), The Oxford Bible Commentary, p.1284.

۳. دوران، ویل، تاریخ تمدن، ج ۶، ص ۴۴۲.

4. Barton, John and Muddiman, John (eds.), The Oxford Bible Commentary, p.1284.

ملاک‌ها و معیارهای تعیین کتاب‌های قانونی

ملاک‌های عالمان مسیحی برای قانونی دانستن یک کتاب، مسئله‌ای محوری در شکل‌گیری عهدجدید است؛ زیرا نزاع‌های موجود در مورد کتاب‌ها، در حقیقت برخاسته از نزاع در تعیین مواردی بود که حائز این ملاک‌ها و معیارها بودند.

در منابع مسیحی، ملاک‌های متعددی برای انتخاب کتاب‌های مقدس ذکر شده است که البته به نظر می‌رسد برخی از این ملاک‌ها، به دور از واقع است و هرگز در آن دوره، چنین معیاری برای معتبر دانستن یک کتاب مطرح نبوده است. هنری تیسن، دانشمند معاصر مسیحی، این معیارها را چنین می‌شمارد:

الف) نوشته‌شدن کتاب‌ها توسط رسولان یا شاگردان آنان؛ این مسئله همواره از مهم‌ترین معیارها به شمار می‌آمده است که کتاب مورد بحث توسط رسولان مسیح یا شاگردان بسیار صمیمی و نزدیک آنان نوشته شده باشد به طوری که با آثار رسولان برابر شمرده شود.

ب) مناسب بودن قرائت آن در ملاء عام. این معیار از آن جهت مورد توجه قرار می‌گرفت که برخی از متون، مشتمل بر داستان‌ها و مطالبی بود که قرائت آن‌ها در مجامع عمومی نامناسب تلقی می‌شد. به عنوان مثال، برخی از آن‌ها حاوی عبارات و گزارش‌هایی بود که مسائل جنسی را بازگو می‌کرد.

ج) محتوای کتاب باید از نظر روحانی در درجه بالایی قرار داشته باشد.
د) به علاوه لازم بود در خود کتاب، دلیلی حاکی از الهامی بودن توسط روح‌القدس وجود داشته باشد.

ه) و بالاخره آنکه لازم بود کتاب مورد قبول همه باشد.^۱

البته با اغماض در مورد دیگر ملاک‌های مطرح‌شده، می‌توان با قاطعیت اظهار داشت که معیار آخر به دور از واقع است و تنها می‌تواند زاییده ذهن نویسنده باشد؛ زیرا به روشنی می‌دانیم که لااقل در مورد برخی از این کتاب‌ها، اختلاف‌نظرهایی جدی در جامعه مسیحی وجود داشته است. این معیار به شکل قابل قبول‌تری چنین ارائه شده است که «کتاب مورد نظر باید به صورت گسترده در کلیساهای مسیحی مورد استفاده قرار گرفته شده باشد».^۲

۱. تیسن، هنری، الهیات مسیحی، ص ۵۹.

2. Ehrman, Bart D., The History of the Bible, p.35.

همچنین معیار لزوم نگارش کتاب‌ها توسط رسولان و یا شاگردان آنان که به معنای صحت انتساب کتاب به این افراد است، تنها از سوی پروتستان‌ها مطرح گردیده است. از نگاه پروتستان‌ها، قانونی بودن هر یک از کتاب‌های عهدین، متوقف بر انتساب صحیح کتاب به نویسنده آن است؛ زیرا دانستن این که یک کتاب تحت نظر روح القدس نگاشته شده مبتنی بر شناختن نویسنده واقعی آن کتاب است. اما کلیسای کاتولیک چنین معیاری را به رسمیت نمی‌شناسد. در نگاه کاتولیکی، معتبر بودن یک کتاب، مبتنی بر شناختن نویسنده آن نیست؛ زیرا قانونی بودن هر کتاب، تنها متوقف بر اعلام آن از سوی کلیسا است.^۱ قدیس آگوستین در این باره اظهار می‌دارد:

اگر اقتدار کلیسای کاتولیک در خصوص انتخاب انجیل‌ها نبوده، من به انجیل‌ها ایمان نمی‌داشتم (و آن‌ها را به عنوان منبع معتبر قبول نمی‌کردم).^۲

همچنان که از کلام لوتر نیز چنین برمی‌آید که انتساب کتاب به رسولان و شاگردان آنان شرط اعتبار کتاب نیست و یگانه شرط اساسی اعتبار یک کتاب، همخوانی با تعالیم مسیح است:

هر یک از اسفار کتاب مقدس که مضمون آن با تعالیم مسیح ناسازگار است، گرچه به دست پطرس حواری یا پولس حواری نوشته شده باشد، از خدا نیست... هر آنچه با تعالیم مسیح سازگاری دارد، ولو از یهودا، پیلاطس، یا هرودس بر جای مانده باشد، وحی خداست.^۳

نتیجه

با این همه، به نظر می‌رسد عالمان مسیحی صرفاً به این معیارها بسنده نکرده‌اند و مسائل دیگری نیز در انتخاب و یا رد کتاب‌ها دخیل بوده است؛ زیرا با مطالعه و بررسی برخی از رساله‌های غیرقانونی عهد جدید می‌توان دریافت که آن رساله‌ها از نظر دارا بودن معیارهای فوق همانند برخی از کتاب‌های قانونی بوده‌اند و از این

۱. الأمیر کانی، قس جیمس انس، نظام التعمیم فی علم اللاهوت القویم، ج ۱، ص ۶۸.

2. New Catholic Encyclopedia, vol.3, p.21.

۳. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۶، ص ۴۴۲.

لحاظ، هیچ تفاوتی میان این آثار نیست. شاید بتوان از جمله این موارد به رسالهٔ شبانی هرماس و یا رسالهٔ اول کلمنت اشاره کرد که (به اعتراف خود مسیحیان^۱) علی‌رغم استفادهٔ گسترده از این متون در کلیسای اولیه و رواج و اعتبار بسیار زیاد آن‌ها در میان مسیحیان نخستین، در فهرست کتاب‌های قانونی قرار نگرفتند. به هر حال، در نهایت همان ۲۷ کتابی که توسط آتاناسیوس ارائه شده بود مورد پذیرش جامعهٔ مسیحی قرار گرفت و در مورد آن‌ها اتفاق نظر کاملی به وقوع پیوست اگرچه در مورد ملاک‌ها و معیارهای پذیرش و دیگر مسائل پیرامونی، میان کلیساهای مختلف مسیحی اختلافات فراوانی وجود داشته و دارد.

1. New Catholic Encyclopedia, vol.3, pp.21–22.

منابع

۱. الأمير كاني، قس جيمس انس، نظام التعميم في علم اللاهوت القويم، مطبعة الأمير كان، ۱۸۸۸م.
۲. بيترز، اف. ئي، يهوديت مسيحية و اسلام، ترجمه حسين توفيقى، انتشارات مركز مطالعات و تحقيقات اديان ومذاهب، ۱۳۸۴هـ.ش.
۳. تني، مريل. سي، معرفي عهد جديد، ترجمه ط. ميكائيليان، انتشارات حيات ابدى، ۱۳۶۲هـ.ش.
۴. تيسن، هنري، الهيات مسيحي، ترجمه ط. ميكائيليان، انتشارات حيات ابدى، بي.تا.
۵. دورانت، ويل، تاريخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمي و ديگران، شركت انتشارات علمي و فرهنگي، چاپ ششم، ۱۳۷۸هـ.ش.
۶. عبدالعزيز، فهيم، المدخل الي العهد الجديد، دار الثقافة المسيحية، بي.تا.
۷. لين، توني، تاريخ تفكر مسيحي، ترجمه روبرت آسريان، انتشارات فرزنان، ۱۳۸۰هـ.ش.
۸. محمديان، بهرام و ديگران، دايرة المعارف كتاب مقدس، انتشارات روز نو، ۱۳۸۰هـ.ش.
۹. مك گراث، الستر، درآمدى بر الهيات مسيحي، ترجمه عيسى ديباج، كتاب روشن، چاپ اول، ۱۳۸۵هـ.ش.
۱۰. ميلر، ويليام، تاريخ كليساى قديم در امپراطوري روم و ايران، ترجمه علي نخستين، انتشارات اساطير، ۱۳۸۲هـ.ش.
۱۱. يوسف خليل، الدكتور القس صموئيل، المدخل الي العهد القديم، دارالثقافة المسيحية، ۱۹۹۳م.
12. Achtemeier, Paul J. (ed.), *Harpercollins Bible Dictionary*, Harper San Francisco, 1996.
13. Ackroyd, P. R. and Evans, G F. (eds.), *The Cambridge history of the Bible*, Cambridge University Press, 2008.
14. Barton, John and Muddiman, John (eds.), *The Oxford Bible Commentary*, Oxford, 2007.
15. Ehrman, Bart D., *Forged: Writing in the Name of God—Why the Bible's Authors Are Not Who We Think They Are*, HarperCollins e _ books, 2011.
16. Ehrman, Bart D., *God's Problem*, HarperCollins e _ books, 2008.
17. Ehrman, Bart D., *Misquoting Jesus*, HarperCollins e _ books, 2005.
18. Ehrman, Bart D., *The History of the Bible: The Making of the New Testament Canon*, The Teaching Company, 2005.
19. Ehrman, Bart. D., *The New Testament*, Oxford, 1997.
20. Eusebius, *Church History*, in: *Nicene and Post - Nicene Fathers*, Series II, Vol. I.
21. Manser, Martin H., *Critical companion to the Bible*, Facts on File, New York, 2009.
22. *New Catholic Encyclopedia*, 2nd ed., Gale, 2003.
23. Rogerson, J. W. & Judith, M. Lieu, *The Oxford Handbook Biblical Studies*, Oxford University Press, 2006.